

مهاجرت

شاهرخ باستانی

مهر ۸۶

مهاجرت

یعنی اینکه فردی از جایی به جای دیگر برای یک کار خاصی نقل مکان کند که این عمل را هجرت گویند

عوامل مهاجرت

۱- اقتصادی ۲- اجتماعی ۳- سیاسی

اقتصادی

مهاجرت برای کسب درآمد بیشتر و بهتر شدن وضعیت اقتصادی بصورت های زیر انجام می گیرد

۱- مهاجرت روستائیان به شهر و خالی شدن روستاها یکی از مشکلات اینوع مهاجرتها می باشد.

۲- مهاجرت افراد از شهر های کوچک به کلان شهر ها که ما با چشم عوارض آنرا می بینیم .

۳- مهاجرت به کشورهای دیگر اینکار درزمانهای قدیم نیز انجام می شده وخیلی هم برای جامعه مفید بوده است بطوریکه

همکیشان برای کسب در آمد بیشتر به کشورهای هند وپاکستان مهاجرت می کردند ولی اینوع مهاجرت ها موقتی بود

وافراد خانواده آنها ساکن ایران بودند ودرآمد آنها برای ساخت مکانهای آموزش شی ورفاهی که برای پیشرفت جامعه نیاز بود

صرف میشد که نمونه های زیادی از این افراد خیر اندیش درجامعه وجود دارند که اگر خاطرات آنها را مرد بررسی ومطالعه

قراردهیم متوجه خواهیم شد که اینها چه مشکلاتی را داشته اند با این وجودهیچ وقت تن به ذلت نداده و وطن خود راتنها

نگذاشتند ولی حالا وقتی نگاه به مهاجرت همکیشان می کنیم می بینیم مشکلات سخت وتوهین آمیز آن روز ها را نداشته

اما بر عکس آنها خانه وکاشانه خود را فروخته همراه خانواده با چه افتخار مسخره ای وطن وسرزمین اجدادی خود را ترک

می کنند وهیچ ردپایی از خود برای باز گشت بجای نمی گذارند ای کاش در آنجا دارای شغل آبرومند ووضیعت اقتصادی

درحد اندازه کشور خودشان بودند بازقابل تحمل بود ولی متاسفانه با توجه به گزارشهایی که آنطرف مرز ها به ما میرسد می

بینیم بعضی از افراد تن به انجام کار هایی داده اند که در آینده هیچ پاسخی برای جامعه و فرزندان خود نخواهند داشت و پیشینه تاریخی ما را زیر سوال خواهد برد که قابل تامل و بررسی خواهد بود .

اجتماعی

مهاجرت به علت مشکلات اجتماعی بیشتر به دو صورت می باشد.

۱- مشکلات آموزشی می باشد که قابل تامل بوده و در بیشتر مواقع در صورتیکه هیچ مشکلی هم وجود نداشته باشد نیاز به مهاجرت وجود دارد با توجه به تاریخ کهن کشورمان که پراز افتخارات علمی است درمی یابیم همه دانشمندان کشورمان در طول تاریخ برای اینکه با علم روز دنیا درارتباط بوده و هماهنگ با آنها حرکت کنند با تمام کشور های دارای علم و فرهنگ رفت و آمد داشته و توانسته اند علم خود را بآنها بیاموزند یا اینکه علم مورد نیاز خود را از آنها فرا بگیرند که اینکار از طریق مهاجرت موقت صورت می گرفته و آموخته های خود را درراه پیشرفت جامعه بکار می بستند و باعث افتخار جامعه بودند که تعداد آنها کم نیست و دست آورد و مرتبه علمی بالای این عزیزان در جامعه می تواند الگویی برای جوانان همکیش ما باشد با توجه به این مسائل می بینیم یا اینکه گزارشاتی به ما می رسد که جریان برعکس بوده و افراد تحصیل کرده ما با اینکه شغل مناسب و مرتبه علمی خوبی داشته اند راه مهاجرت را در پیش گرفتند و در آنجا آن شغل و مرتبه را از دست داده و به کاری مشغول شده که هیچ ارتباطی با علم او نداشته و شخصیت وی را نیز زیر سؤال میبرد. آنوقت است که ما تاسف می خوریم و دیگر راهی برای بازگشت وجود ندارد.

هر حکومتی برای نظم دادن به جامعه خود نیاز به یکسری قوانین ومقرراتی دارد که این قوانین چون برای اکثریت جامعه طراحی وتصویب می شود شاید برای تعداد کم و اقلیت قابل قبول نباشد ولی قابل اجرا بوده ودر بعضی مواقع حکومت ها در این موارد نیز به توافقاتی دست پیدا می کنند که در کشور ما هم برای حل مشکلات افراد اقلیت جامعه قوانینی در نظر گرفته شده است که شاید در کشور هایی که مدعی آزادی بوده در مورد این افراد بی توجهی نموده وتسهیلاتی در نظر نگرفته اند . نکته مهم در مورد فرهنگ اینست که همکیشانی مهاجرت میکنند مدعی هستند که در کشور خودشان آزاد نیستند و این موضوع یکی از علت های مهاجرت می باشد برای ما این سوال مطرح است که آیا در آن کشوری که در حال حاضر زندگی می کند هیچگونه محدودیتی برایش وجود ندارد با بررسی های انجام شده آنجا هم مشکلات خاص خود را دارد که توسط افرادی که مهاجرت کرده اندو تعصبی ندارند ابراز شده که در آن کشور ها به مرور زمان دین وفرهنگ مان که اجدادمان با چه مشکلاتی آنرا نگه داشته وبه ما سپرده اند تحت تاثیر قرار گرفته واز بین می رود وکم کم هویت ما که خواسته بیگانگان وبیگانه پرستان می باشد از بین خواهد رفت. این یکی از خطرناکترین مسئله ای است که جامعه ما را نگران وتهدید می کند. وباید هر چه سریعتر جلو آن گرفته شود. مسئله دیگری که به دنباله مهاجرت اتفاق می افتد از بین رفتن عشق و علاقه به خانواده است بررسیهای انجام شده نشان میدهد اکثر افراد جوان جامعه مهاجرت نموده وافراد سالمند که نیاز به کمک دارند در جامعه رها شده اند که چشم به انتظار کمک همکیشان می باشند درصورتیکه رسیدگی به پدر مادر وافراد سالمند ونیازمند از اصول اولیه انسانی می باشد که تحت تاثیر مهاجرت قرار گرفته واز بین رفته است. با توجه به مسائل مطرح شده می بینیم که مانسبت به سختی هاییکه پدران ومادران در گذشته تحمل نموده تا بتوانند این دین وفرهنگ را به نسل بعدی تحویل دهند تا نزد گذشتگان خود شرمند نباشند کم تحمل شده ایم درصورتیکه شرایط اصلا قابل مقایسه نیست و هیچ توجیهی وجود ندارد که ما آنرا بهانه قرار دهیم یا خدای ناکرده بخواهیم از این موضوع سوءاستفاده کنیم و وطن خود را بدست بیگانگان بسپاریم .

سیاسی

در این مورد که همکیشانی که مهاجرت کرده اند شاید مشکل سیاسی داشته اند بابررسی های انجام شده این موضوع اصلا مطرح نبوده ولی تحت تاثیر تبلیغات سیاسی کشورهای خارجی و افراد داخلی قرار گرفته و دست به این ریسک بالا زده و جا را برای گروههایی که در این کشور جایی نداشته و دست پرورده کشور های غربی می باشند باز کنیم .

راهکارها

- ۱- ما باید همه ارگان ها را بسیج کنیم تا اطلاع رسانی دقیقی از وضعیت همکیشانی که مهاجرت نموده داشته باشند
- ۲- ارگان هاییکه توان مالی بالا دارند ایجاد اشتغال نمایند و در کنار آن کار های فرهنگی انجام دهند. تاجوانان ما احساس تنهایی و بی توجهی نکنند و این باعث دلسردی آنهاشود.
- ۳- مسئولین ارگانها بیشتر کارها را به جوانان واگذار نمایند و آنها را راهنمایی کنند.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.